

امام حسن مجتبی علیه السلام در منابع اهل سنت

علی جبّاری*

اشاره

امام حسن مجتبی علیه السلام، در منابع اهل سنت، به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته و محترم خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و از مصادیق روشن اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌گردد. در بسیاری از روایات معتبر اهل سنت، از حسن و حسین علیهما السلام به عنوان فرزندان باتقوا، کرامت و فضیلت یاد شده است. بر این اساس، امام حسن بن علی علیهما السلام نزد آنان به عنوان فردی زاهد، پرهیزگار و از سلاله پاک نبوی شناخته شده و از جایگاهی ویژه برخوردار است. در این نوشتار، بر آنیم تا به کاوش و تبیین ابعاد مختلف شخصیت والا و سیره گران‌بهای امام حسن مجتبی علیه السلام پردازیم.

۱. ولادت

امام حسن بن علی علیه السلام، پیشوای دوم شیعیان در ۱۵ رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.^۱ پس از ولادت حسن علیه السلام، جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: خداوند فرموده: «حسنین (علیهما السلام) را به نام فرزندان هارون نامگذاری کن.» پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: «نام آنها چه بود؟» جبرئیل عرض کرد: «شبر و شبیر.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «(زبان من، عربی است.)» فرشته وحی گفت: «نام فرزندان را حسن و حسین بگذار.»^۲ سپس، پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش او اذان

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع و پژوهشگر تاریخ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور؛ این نوشتار برگرفته از کتاب ذیل

است: علی جبّاری، امامان شیعه در منابع اهل سنت، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۹.

۱. محمد بن سعد کاتب واقفی؛ الطبقات الکبری؛ ج ۱، ص ۵۱. ابوالفرج بن الجوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۵.

ابن اثیر جزیری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۸۷ و ۴۸۸.

۲. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۸۶. همو؛ نظم در السمطين؛ ص ۲۵۱.

گفت و نام «حسن» را برایش انتخاب کرد. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز هفتم ولادت، برای حسن صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عقیقه انجام داد و موی سر او را تراشید و فرمود که هم وزن موهای او، نقره صدقه بدهند.^۱ کنیه معروف ایشان، «ابا محمد» می باشد.^۲ مجتبی،^۳ از القاب امام حسن صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

۲. نقش انگشتر

نقش انگشتر امام حسن مجتبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، «الْعِزَّةُ لِلَّهِ وَحْدَهُ» بود.^۴

۳. امام حسن صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قرآن

نویسندگان اهل سنت، معمولاً مصداق «اهل بیت» را عبارت از: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام علی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه زهرا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام حسن صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام حسین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته اند؛ هرچند عده ای همسران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز شامل اهل بیت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته، آیه تطهیر را در باره آنان معرفی کرده اند. در کتاب های اهل سنت، دست کم ۴ آیه قرآن، در مورد اهل بیت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مربوط به مناقب ایشان دانسته می شود که امام حسن صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز یکی از اهل بیت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. این چهار آیه، عبارتند از:

الف. آیه تطهیر

در آیه ۳۳ احزاب می خوانیم:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.»
برخی نویسندگان اهل سنت، این آیه را در باره اهل کساء (پنج تن: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) دانسته اند که همان خاندان نبوت اند.^۵

۱. ابن اثیر جزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۸۷. محیی الدین نووی؛ تهذیب الاسماء؛ ج ۱، ص ۱۱۶. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۱۶۴. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهاية؛ ج ۸، ص ۳۳. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۵۸.

۲. ابوالفرج بن الجوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۵. ابن اثیر جزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۸۷. محیی الدین نووی؛ تهذیب الاسماء؛ ج ۱، ص ۱۱۶. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۵.

۳. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۵۷.

۴. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۶۹۶.

۵. عبیدالله بن عبد الله حسانی؛ شواهد التنزیل؛ ج ۲، ص ۱۸. محمد بن یوسف گنجی شافعی؛ کفایة الطالب؛ ص ۵۴. احمد بن عبد الله طبری؛ ریاض النضرة؛ ج ۲، ص ۱۵۲؛ ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۱، ص ۱۱۳.

پس از نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در خانه ام سلمه بود، علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها و حسنین رضی الله عنهما را نزد خود خواند و عباى خویش را روی آنها کشید و فرمود: «هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.» ام سلمه سؤال کرد: یا رسول الله! آیا من هم با آنها هستم؟ حضرت فرمود: «در مکان خودت بنشین؛ تو بر خیر هستی.»^۱

ب. آیه هل اُتی

خداوند در آیه ۸ سوره انسان فرموده:

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا: و طعام را درحالی که خود دوستش

دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می خوراندند.»

شان نزول آیه، چنین است که امام حسن رضی الله عنه و امام حسین رضی الله عنه بیمار می شوند، پدر و مادر ایشان نذر می کنند که اگر بهبود یابند، سه روز روزه بگیرند. پس از بهبودی آن دو، این جمع روزه می گیرند؛ اما غذای خویش را هنگام افطار در هر سه روز، به درخواست کنندگان می بخشند. بیشتر نویسندگان اهل سنت، وقوع این حادثه و در پی آن، نزول آیه یادشده را در مناقب اهل بیت علیهم السلام نوشته و تأیید کرده اند.^۲

ج. آیه مودت

قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره شوری می فرماید:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ: بگو: بر این رسالت، مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان نمی خواهم. و هرکه کار نیکی کند، به نیکویی اش می افزاییم؛ زیرا خدا آمرزنده و شکرپذیر است.»

تعدادی از نویسندگان اهل سنت، این آیه را در باره اهل بیت علیهم السلام که عبارت اند از: امام علی رضی الله عنه، فاطمه زهرا رضی الله عنها و حسنین رضی الله عنهما دانسته اند.^۳

۱. ابن اثیر جزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۹۰.

۲. ابن مغازلی علی بن محمد؛ مناقب اهل البيت علیهم السلام؛ ص ۲۷۲. عبیدالله بن عبد الله حسانکی؛ شواهد التنزیل؛ ج ۲،

ص ۳۹۴. موفق بن احمد خطیب خوارزمی؛ المناقب؛ ص ۲۷۱. محمد بن یوسف گنجی شافعی؛ کفایة الطالب؛

ص ۳۴۸. محمد بن طلحه نصیبی؛ مطالب السؤل؛ ص ۱۲۷.

۳. عبیدالله بن عبد الله حسانکی؛ شواهد التنزیل؛ ج ۲، ص ۲۰۳. محمد بن احمد دولابی؛ الذریة الطاهرة؛ ص ۱۰۹.

- ۱۱۱. محمد بن عبد الله حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۳، ص ۱۷۲.

د. آیه مباهله

در آیه ۶۱ سوره آل عمران آمده است:

«... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ: بگو: بیاید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و شما برادران خود را. آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.»

با وجود اینکه برخی نویسندگان اهل سنت، با تعمیم آیات یادشده پیشین، تلاش کردند دیگران را در امتیازها و ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) شریک گردانند، اما در باره آیه مباهله هیچ نویسنده‌ای نتوانسته آن را از اهل بیت (علیهم‌السلام) که همانا عبارت‌اند از: پیامبر ﷺ، امام علی ﷺ، فاطمه زهرا (علیها‌السلام) و حسنین (علیهما‌السلام)، منصرف نماید و همه معترف‌اند که در داستان مباهله، تنها همین افراد شرکت کردند. رسول خدا ﷺ و امام علی ﷺ به عنوان «انفسنا»، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ به عنوان «ابناءنا» و فاطمه زهرا (علیها‌السلام) به عنوان «نساءنا» در مباهله شرکت نمودند. با اینکه به کار رفتن واژه «نساءنا» در این آیه می‌توانست مستمسک برخی زنان رسول خدا ﷺ قرار گیرد، اما چنین نشده و همه نویسندگان شناخته‌شده اهل سنت اعتراف دارند که این واژه در داستان مباهله، تنها شامل فاطمه زهرا (علیها‌السلام) شده است.^۱

ابن تیمیه نیز افراد شرکت‌کننده را همان اصحاب کساء می‌داند؛ اما برای اینکه حضور ایشان به عنوان امتیازی برای ایشان تلقی نشود، وجه آن را اقربیت ایشان به پیامبر - نه فضیلت - ایشان دانسته است.^۲ این خط و شیوه‌ای است که برخی نویسندگان تندور اهل سنت مانند ابن تیمیه، در باره فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) پیموده‌اند و تمام تلاششان بر این است که هیچ امتیاز ویژه و منحصری برای اهل بیت (علیهم‌السلام) در برابر صحابه ثبت و مسجل نگردد.

۴. پیامبر ﷺ و امام حسن ﷺ

۱. امام حسن ﷺ دیر زبان گشود و چون یک بار آن حضرت پشت پیامبر ﷺ نماز می‌خواند و

۱. عبدالله بن ابی شیبیه؛ المصنف فی الاحادیث والآثار؛ ج ۸، ص ۵۶۴. ابن عساکر علی بن حسن؛ تاریخ مدینة دمشق؛ ج ۴۲، ص ۱۶. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۳، ص ۶۲۷. ص ۸۰. فضل بن روزبهان خنجی؛ وسیلة الخادم؛ ص ۱۴۴.
۲. تقی الدین احمد ابن تیمیه؛ منهاج السنه النبویه؛ ج ۴، ص ۲۷.

- تکبیر رسول خدا ﷺ را تکرار می کرد، پیامبر ﷺ نیز چندین بار تکبیر گفت.^۱
۲. پیامبر ﷺ امام حسن ﷺ را بر دوش خود گذاشته بود و می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجِبُّ فَأَجِبْهُ: خدایا من حسن را دوست دارم، تو نیز دوستش بدار.»
۳. پیامبر اکرم ﷺ به صورت مکرر مردم را در باره محبت به حسنین (علیهما السلام) سفارش می کرد و می فرمود:
- «مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي: هرکس حسن و حسین ﷺ را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هرکه آنها را دشمن بدارد، مرا دشمن دانسته است.»
۴. پیامبر اکرم ﷺ مشغول نماز بودند و هنگامی که به سجده رفتند، حسن ﷺ و حسین ﷺ بر پشت ایشان سوار شدند. در این موقع، مردم خواستند مانع شوند که با اشاره پیامبر ﷺ این کار را انجام ندادند. پس از پایان نماز، پیامبر ﷺ حسنین (علیهما السلام) را در آغوش گرفت و فرمود:
- «مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبِّ هَذَيْنِ: هرکس که مرا دوست دارد، این دو را دوست بدارد.»
۵. بارها مشاهده شده بود که پیامبر خدا ﷺ، حسنین (علیهما السلام) را می بویید و به خود می چسباند.^۶
۶. وقتی حسن و حسین ﷺ به زمین می خوردند، پیامبر ﷺ از منبر برای دیدن ایشان پایین می آمد.^۷
۷. روزی پیامبر ﷺ مشغول خواندن خطبه بود که حسنین (علیهما السلام) با لباس های سرخ رنگ وارد

۱. ابن مغازلی علی بن محمد؛ مناقب اهل البيت (علیهم السلام)؛ ص ۱۲۷.

۲. ابوالفرج بن الجوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۵. محیی الدین نووی؛ تهذیب الاسماء؛ ج ۱، ص ۱۱۶. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۰۸. احمد بن علی عسقلانی؛ الاصابة فی تمییز الصحابة؛ ج ۲، ص ۶۱.

۳. محمد بن عیسی الترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۶، ص ۱۱۳. احمد بن ابوبکر بوسیری؛ اتحاف الخیرة؛ ص ۳۲۲.

۴. ابن عساکر علی بن حسن؛ تاریخ مدینة دمشق؛ ج ۱۴، ص ۱۵۱. ابوالفرج بن الجوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۷.

۵. ابن عساکر علی بن حسن؛ تاریخ مدینة دمشق؛ ج ۱۴، ص ۱۵۰. احمد بن علی عسقلانی؛ الاصابة فی تمییز الصحابة؛ ج ۲، ص ۶۳.

۶. محمد بن عیسی الترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۶، ص ۱۱۳.

۷. همان. ابن اثیر جزری؛ جامع الاصول؛ ص ۳۲.

مسجد شدند. در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر پایین آمد و آنان را در آغوش گرفت و این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»^۱ اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شما هستند.» سپس، فرمود: «وقتی به این دو نگاه کردم، صبرم را از کف دادم و از منبر پایین آمدم و آنها را در آغوش گرفتم.»^۲

۸. امام علی علیه السلام می فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه ما آمده بود و حسنین در خواب بودند. حسن از خواب بیدار شد و آب خواست. پیامبر برخاست و از مشک برای حسن آب ریخت و آورد. در این هنگام، حسین بیدار شد و خواست آن آب را بنوشد که پیامبر مانع شد و آب را به حسن داد. فاطمه گفت: یا رسول الله! گویا حسن را بیشتر دوست داری؟ پیامبر فرمود: خیر؛ علت این است که حسن، ابتدا آب خواسته بود. سپس، فرمود: من و تو و حسنین و علی علیه السلام، در روز قیامت در جایگاه واحدی خواهیم بود.»^۳

۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرُ رَجَالِكُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَخَيْرُ شَبَابِكُمْ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَخَيْرُ نِسَائِكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ»^۴ بهترین مردان شما، علی بن ابی طالب و بهترین جوانان شما، حسن و حسین و بهترین زنان شما، فاطمه است.»

۱۰. امام علی علیه السلام می فرماید: «از حسادت مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردم. ایشان فرمود: یا علی! اولین گروه چهار نفره‌ای که وارد بهشت می شوند، من و تو و حسن و حسین هستیم و ذریه ما، پشت سر ما و زنان ما، پشت سر ذریه ما. گفتیم: یا رسول الله! پس شیعیان ما کجا قرار دارند؟ فرمود: شیعیان شما، از پشت سرتان وارد می شوند.»^۵

۱۱. ابن عباس می گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «شبی که به معراج رفتم، دیدم بر درب بهشت نوشته شده است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ، عَلَى بَاغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ»^۶ خداوندی جز خدای یکتا نیست،

۱. تغابن: ۱۵.

۲. ابن عساکر علی بن حسن؛ تاریخ مدینة دمشق؛ ج ۱۴، ص ۱۶۱.

۳. همان؛ ص ۱۶۳.

۴. همان؛ ص ۱۶۷.

۵. همان؛ ص ۱۶۹.

۶. همان؛ ص ۱۷۰.

محمد رسول خدا، و علی محبوب خداست، حسن و حسین برگزیدگان خداوند و فاطمه کنیز خداوند است، بر دشمنان آنها لعنت و نفرین خداوند باد.»

۱۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره حسنین (علیهما السلام) می فرمود: «هُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا»^۱ این دو گل‌های خوشبوی دنیای من هستند.»

۱۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسنین (علیهما السلام) محبت بسیاری نشان می داد.^۲ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: کدام یک از اهل بیت (علیهم السلام) شما نزدیکان محبوب ترند؟ فرمودند: «حسن و حسین»^۳

۱۴. پیامبر صلی الله علیه و آله، حسنین (علیهما السلام) را به سینه خود می چسباند و می فرمود:
«اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُمَا فَأَجِبْهُمَا؛^۴ خدایا! من آنها را دوست دارم؛ تو نیز آنان را دوست بدار.»
۱۵. زید بن ارقم می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) فرمود: «أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَنِي وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَنِي»^۵ من با کسی که با شما آشتی ورزد در آشتی هستم و با کسی که با شما دشمنی ورزد دشمن هستم.»

۱۶. حسنین (علیهما السلام) شباهت بسیاری به جدشان، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند و امام حسن صلی الله علیه و آله، شبیه ترین مردم به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود.^۶

۱۷. «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۸ حسن و حسین (علیهما السلام)، دوسرور جوانان اهل بهشت هستند.»

-
۱. محمد بن اسماعیل البخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۳، ص ۹۷. محمد بن عیسی الترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۶، ص ۱۱۳. محیی الدین نووی؛ تهذیب الاسماء؛ ج ۱، ص ۱۱۶.
 ۲. محمد بن یزید قزوینی؛ سنن ابن ماجه؛ ج ۱، ص ۷۱. ابن اثیر جزیری؛ جامع الاصول؛ ص ۲۷.
 ۳. ابن عساکر علی بن حسن؛ تاریخ مدینة دمشق؛ ج ۱۴، ص ۱۵۳.
 ۴. همان؛ ص ۱۵۵.
 ۵. همان؛ ص ۱۵۸.
 ۶. ابن اثیر جزیری؛ جامع الاصول؛ ص ۳۴.
 ۷. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۵. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۰۷.
 ۸. محمد بن عیسی الترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۶، ص ۱۱۳. ابن اثیر جزیری؛ جامع الاصول؛ ص ۳۰. احمد بن ابوبکر بوسیری؛ اتحاف الخیرة؛ ص ۳۲۲. یوسف بن عبدالله قرطبی؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ ج ۱، ص ۳۹۱. ابن عساکر علی بن حسن؛ تاریخ مدینة دمشق؛ ج ۱۴، ص ۱۳۱. ابوالفرج بن الجوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۷. ابن اثیر جزیری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۸۷. احمد بن علی عسقلانی؛ الاصابة فی تمييز الصحابة؛ ج ۲، ص ۶۳.

۱۸. امام حسن علیه السلام می فرماید: «پیامبر دعایی به من آموخت که آن را در نماز وتر بخوانم و آن دعا این است: اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ فَيَمِّنْ هَدِيَّتْ، وَ عَافِنِيْ فَيَمِّنْ عَافِيَّتْ، وَ تَوَلَّنِيْ فَيَمِّنْ تَوَلِّيَّتْ، وَ بَارِكْ لِيْ فَيَمَّا اَعْطَيْتْ، وَ قِنِيْ شَرَّ مَا قَضَيْتْ، فَإِنَّكَ تَقْضِيْ وَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ، وَ إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتْ، تَبَارَكَتْ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتْ»^۱ خداوند، مرا جزء کسانی قرار بده که آنها را هدایت کرده‌ای، و مرا جزء کسانی قرار ده که آنها را عافیت داده‌ای، و مرا جزء کسانی قرار ده که دوست خود قرار داده‌ای، و در آنچه که به من عطا کرده‌ای برکت قرار ده، و از شر آنچه که مقدر کرده‌ای مرا محفوظ بدار، همانا تو قضاوت می‌کنی و بر تو حکم کرده نمی‌شود، و همانا کسی را که تو دوست بداری خوار نمی‌گردد، خداوند، دارای برکات بسیار و در ذات و صفات بلند مرتبه هستی»

۵. خلافت

پس از شهادت امام علی علیه السلام در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری، مردم با فرزندش امام حسن علیه السلام بیعت نمودند.^۲ امام حسن علیه السلام در مجلسی که همه مردم برای بیعت با ایشان تجمع کرده بودند، خود را این‌گونه معرفی نمود:

«أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ [أَنَا ابْنُ] التَّنْذِيرِ، أَنَا ابْنُ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، أَنَا ابْنُ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ، أَنَا ابْنُ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا، أَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ إِفْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى حُبَّهُمْ فِي كِتَابِهِ: مَنْ فَرَزَنْد بَشِيرَم، مَنْ فَرَزَنْد نَذِيرَم، مَنْ فَرَزَنْد سَرَاجِ مُنِيرَم، مَنْ فَرَزَنْد دَعْوَتِ كُنْدَه بَه سَوِي خُدا بَه اذَنْ اَو هِسْتَم، مَنْ فَرَزَنْد خَانْدَانِي هِسْتَم كَه خُداوَنْد رَجَس و پَلِيدِي رَا اَز اَنهَآ دَوْر كَرْد و اَنهَآ رَا تَطْهِير فَرَمُود، مَنْ اَز اَهْلِ بَيْتِي هِسْتَم كَه خُداوَنْد مَوْدَتِ اَنهَآ رَا دَر كِتَابِش وَاجِبِ سَاخْت.»

پس از آن، حضرت نشست و عبدالله بن عباس به مردم گفت: ای مردم! این شخص پسر دختر پیامبر شما و وصی امام شماست. پس، با او بیعت نمایید. بعد از این سخنان، مردم با امام حسن علیه السلام بیعت کردند.^۳

حضرت به مردم فرمود که بر کتاب خدا و سنت پیامبر علیه السلام با او بیعت کنند و گوش به فرمان و مطیع او باشند و مردم با این شرط، با ایشان بیعت کردند^۴ و اولین بیعت‌کننده با ایشان،

۱. ابن اثیر جزیری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۸۸.

۲. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۵، ص ۱۵۸. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۱۶.

۴. ابوالفداء اسماعیل بن علی؛ تاریخ ابی الفداء؛ ج ۱، ص ۲۵۴.

قیس بن سعد بود.^۱

پس از انجام بیعت، امام حسن علیه السلام به مردم دستور داد که آماده جنگ با سپاه شام شوند. حضرت همراه با سپاه از کوفه خارج شدند و به مدائن رسیدند.^۲ پس از خیانت و بی وفایی و پراکنده شدن بسیاری از اصحاب امام حسن علیه السلام و غارت شدن خیمه و اموال امام و زخمی شدن ایشان به دست برخی از سپاهیان، امام حسن علیه السلام به ناچار با معاویه بن ابی سفیان پیمان صلح را امضا کرد که یکی از شرایط مهم آن، پیمان نامه توقف سب امام علی علیه السلام بود.^۳ پس از این اقدامات، امام حسن علیه السلام همراه خانواده اش و امام حسین علیه السلام به مدینه بازگشت.^۴

۶. سیره

امام حسن علیه السلام دو بار تمام اموال و دارایی اش را در راه خدا انفاق نمود و سه بار نیز اموالش را با خدا تقسیم کرد و نصف آن را در راه خدا به نیازمندان بخشید.^۵ او، ۱۵ مرتبه^۶ یا ۲۵ بار^۷ پیاده به زیارت خانه خدا رفت.

وقتی امام حسن علیه السلام از وضو فارغ می شد، رنگ ایشان تغییر می کرد. از علت آن سؤال کردند و امام پاسخ داد: «کسی که می خواهد داخل بر صاحب عرش شود، باید رنگ رخسارش تغییر کند.»^۸

۱. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۱۶۵. ابوالفداء اسماعیل بن علی؛ تاریخ ابی الفداء؛ ج ۱، ص ۲۵۴.

۲. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۱۷۹. ابوالفداء اسماعیل بن علی؛ تاریخ ابی الفداء؛ ج ۱، ص ۲۵۴.

۳. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۵، ص ۱۵۹. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. ابوالفداء اسماعیل بن علی؛ تاریخ ابی الفداء؛ ج ۱، ص ۲۵۴. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۱۷۹ و ۱۸۰. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۰۹. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۲۸.

۴. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۵، ص ۱۶۵. ابوالفداء اسماعیل بن علی؛ تاریخ ابی الفداء؛ ج ۱، ص ۲۵۴.

۵. محمد بن سعد کاتب واقدی؛ الطبقات الکبری؛ ج ۱، ص ۵۱. ابوالفرج بن الجوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۵.

ابن اثیر جزیری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۹۰.

۶. ابوالفرج بن الجوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۵.

۷. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۰۹. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهاية؛ ج ۸، ص ۳۷.

۸. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۹.

۷. شهادت

عمیر بن اسحاق می گوید: با شخصی نزد امام حسن علیه السلام بودیم. حسن علیه السلام به ما فرمود: «سلونی: از من بپرسید.» گفتیم: فعلاً سؤالی از تو نمی کنیم؛ تا اینکه بیماری ات بهبود پیدا کند. امام فرمود: «خودم تکه ای از جگر مرا دیدم. بارها مرا مسموم کرده بودند، ولی هیچ کدام مثل این دفعه نبود.» فردای همان روز، امام حسن علیه السلام از دنیا رفت.^۱

در گزارشی دیگر آمده است: وقتی که بیماری امام حسن علیه السلام شدت پیدا کرده بود، به برادرش امام حسین علیه السلام فرمود: «تاکنون سه بار مرا مسموم کرده بودند؛ ولی هیچ کدام مثل این دفعه نبود که خودم تکه ای از جگر مرا دیدم.»^۲

بیماری امام حسن علیه السلام در مرتبه آخر مسمومیت، حدود چهل روز طول کشید و حضرت در این مدت، طشتی در کنار خود قرار داده بود. طیب پس از معاینه امام علیه السلام، عرض کرد: سم، امعای این مرد را از بین برده است.^۳

وقتی لحظه وفات امام حسن علیه السلام نزدیک شد، فرمود بستر او را به صحن خانه ببرند. وقتی او را به صحن آوردند، سر به آسمان بلند کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْتَسِبُ عِنْدَكَ نَفْسِي فَإِنَّهَا أَعَزُّ الْأَنْفُسِ عَلَيَّ لَمْ أَصِبْ بِمِثْلِهَا اللَّهُمَّ أَرْحَمْ صَرَغَتِي وَآنَسْ فِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي: خدایا، جان خود را به تو می سپارم، زیرا آن عزیزترین جانها پیش من است، که همانند آن هرگز نخواهم یافت، خدایا، مرا در لغزش هایم دریاب و در تنهایی قبر، برایم همدم باش.» پس از این دعا، امام حسن علیه السلام از دنیا رفت.^۴

حضرت در لحظات آخر عمر خویش، به برادرش امام حسین علیه السلام وصیت کرد که بعد از مرگم، مرا غسل بده و کفن کن و جنازه ام را کنار قبر جدم، پیغمبر اکرم علیه السلام ببر تا با او تجدید عهد نمایم. سپس، مرا کنار قبر جده ام فاطمه بنت اسد ببر و در آنجا دفن نما.^۵

امام حسن علیه السلام توسط همسرش، جعده، دختر اشعث بن قیس، مسموم گردید و به شهادت

۱. ابوالفرج بن جوزی؛ صفة الصفوة؛ ج ۱، ص ۳۸۶. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهاية؛ ج ۸، ص ۴۲.

۲. سبط بن جوزی؛ تذكرة الخواص؛ ج ۱، ص ۱۹۲. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۳۷.

۳. ابن اثیر جزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۹۲.

۴. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهاية؛ ج ۸، ص ۴۳.

۵. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۳۶.

۶. سبط بن جوزی؛ تذكرة الخواص؛ ج ۱، ص ۱۹۳. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۳۶.

۷. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۳۸ و ۷۳۹.

رسید.^۱ معاویه با این وعده که پس از به شهادت رساندن امام حسن علیه السلام، جعده را به ازدواج یزید در خواهد آورد، وی را فریب داد؛ ولی بعد از شهادت امام حسن علیه السلام، از این امر سر باز زد.^۲ بعد از شهادت امام حسن علیه السلام، جعده با شخصی ازدواج کرد و برای او فرزندی به دنیا آورد که کودکان هنگام بازی، به فرزند جعده می گفتند: «یا ابن مسمّة الأزواج: ای فرزند زنی که به شوهرش سم داده است.»^۳

امام حسن علیه السلام در ماه صفر سال ۵۰ هجری، در سن ۴۷ سالگی^۴ به شهادت رسید و پس از ممانعت مروان بن حکم و افرادش از دفن امام حسن علیه السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در قبرستان بقیع،^۵ در کنار مزار مادرش^۶ به خاک سپرده شد. با توجه به مخفی بودن قبر دختر پیامبر، حضرت فاطمه علیها السلام، به احتمال قوی منظور مورخان از اینکه امام حسن علیه السلام در کنار مادرش در

۱. ابن اثیر جزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۹۲. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۵. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۲۲۶.

۲. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۲۲۶. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۱۹۲. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰.

۳. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۶.

۴. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۷۸.

۵. ابن اثیر جزری؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ ج ۱، ص ۴۹۲. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۶. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۰۸. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۲۲۶. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۴، ص ۴۰. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۳۹.

۶. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۲۲۶. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهایة؛ ج ۸، ص ۴۴.

۷. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهایة؛ ج ۸، ص ۴۴.

۸. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۵، ص ۲۲۶. محیی الدین نووی؛ تهذیب الاسماء؛ ج ۱، ص ۱۱۶. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۶. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۰۱. حمد الله مستوفی؛ تاریخ گزیده؛ ص ۲۰۰. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۷۹.

۹. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۶۶. خلیل بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۰۱. حمد الله مستوفی؛ تاریخ گزیده؛ ص ۲۰۰.

بقیع به خاک سپرده شد، دفن وی در کنار فاطمه بنت اسد علیها السلام می باشد؛ نه فاطمه، بنت رسول خدا صلی الله علیه و آله.^۱

پس از شهادت امام حسن علیه السلام، برادرش محمد بن حنفیه، با چشم های گریان کنار قبر او سخنانی گفت و شدت غم و اندوه خود از این مصیبت بزرگ را آشکار ساخت.^۲ در تشییع جنازه امام حسن علیه السلام، مردم بسیاری حاضر شدند و ازدحام سنگینی در قبرستان بقیع به وجود آمد و تا هفت روز زن و مرد، برای او گریه می کردند.^۳ زنان بنی هاشم نیز حدود یک ماه برای ایشان عزاداری نمودند.^۴ یکی از همسران باوفای امام حسن مجتبی علیه السلام، پس از شهادت ایشان، حدود یک سال بر مزار امام چادر زد و عزاداری کرد.^۵

۸. سخنان امام حسن علیه السلام

۱. «فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا تَأْدِيبٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَالرِّضَا فَالتَّسْمِيَةُ وَالشُّكْرُ وَأَمَّا السُّنَّةُ فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَالْجُلُوسُ عَلَى الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ وَالْأَكْلُ بِثَلَاثَةِ أَصَابِعٍ وَلَعْنُ الْأَصَابِعِ فَأَمَّا التَّأْدِيبُ فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ وَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَالْمَضْغُ الشَّدِيدُ وَقَلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ:»^۶ در سفره، دوازده خاصیت است که سزاوار نیست اینکه شناخته نشود؛ چهار خاصیت واجب، چهار خاصیت مستحب و چهار خاصیت نیز ادب سفره است. اما واجب: معرفت (شناخت نعمت دهنده)، راضی بودن به نعمتی که عطا نموده، با نام خدا شروع کردن و شکر بر غذا. اما مستحب: شستن دست قبل و بعد از غذا، نشستن بر روی پای چپ و با سه انگشت غذا خوردن. اما ادب سفره: خوردن از آنچه جلوی شخص است، کوچک برداشتن لقمه، لقمه را کامل جویدن و کمتر نگاه

۱. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۸۰. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۳۸ و ۷۳۹.
- محمد بن یوسف زرنندی؛ نظم در السمطين؛ ص ۲۶۱.
۲. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۴. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۸۱.
- محمد بن یوسف زرنندی؛ نظم در السمطين؛ ص ۲۶۳.
۳. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهاية؛ ج ۸، ص ۴۴.
۴. خلیل بن ابی بکر الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۰. اسماعیل بن عمر دمشقی؛ البداية و النهاية؛ ج ۸، ص ۴۲ و ۴۳.
۵. احمد بن محمد بن عبد ربه؛ العقد الفريد؛ ج ۳، ص ۱۹۸.
۶. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۶۹ و ۷۰.

کردن به روی دیگران.»

۲. «وَاللَّهِ الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْأَكَلَةِ فِي جَسَدِهِ»^۱ به خدا قسم! غیبت، در دین مؤمن سریع‌تر از خوره در جسم او اثر می‌کند.»
۳. «هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ الْكِبَرِ وَالْحِرْصِ وَالْحَسَدِ فَالْكِبَرُ هَلَاكُ الدِّينِ وَبِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَبِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْحَسَدُ رَائِدُ السُّوءِ وَمِنْهُ قَتَلَ قَايِلُ هَابِيلَ»^۲ نابودی انسان، در سه چیز است: کبر و حرص و حسد. کبر، دین انسان را نابود می‌کند و شیطان به جهت تکبرش لعن شد. حرص، دشمن انسان است و به موجب آن، آدم از بهشت اخراج شد. حسد، انسان را به سوی بدی می‌کشاند و از حسد بود که قایل هابیل را کشت.»
۴. «حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ»^۳ خوب سؤال پرسیدن، نصف دانستن است.»
۵. «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ»^۴ کسی که قبل از شروع صحبت، سلام نداد، جوابش را ندهید.»

۱. همان؛ ص ۷۱.

۲. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۱۲.

۳. همان؛ ص ۷۱۳.

۴. همان.